

حرف درشت

هر الو ۲ میلیون تومان!



پوریا عالمی

تسنیم گزارش داد: «هزینه برگزاری یک دقیقه جلسه علنی مجلس ۲۲ میلیون تومان است». ما واقعا وقتی عملکرد برخی از نماینده‌ها را در دوره‌های مختلف مجلس نگاه می‌کنیم می‌بینیم اگر دستی بهشان ماهی صدمیلیون تومان می‌دادیم و می‌نشستند خانه و نطق نمی‌کردند و الکی دو - دو و چهار - چهار نمی‌کردند و کلهم کاری به کار قانون‌گذاری نداشتند، الان سود کرده بودیم.

بعد شما دودوتا چهارتا کنید ببینید عکس سلفی چند می‌افتد؟ یعنی اگر فردا یکی یا شد رفت مجلس و نماینده‌ها ذوق کردند و مسابقه کی زودتر سلفی می‌گیره راه انداختند، طرف می‌تواند بگوید بابت هر سلفی مثلا ۱۰ میلیون تومان باید بریزند به حسابش؟

خب ما می‌گوییم ۲۲ میلیون تومان دقیقه‌ای را یک ماه پس‌انداز کنید کل کشور را چمن می‌کارید و بچه‌ها هم جای زمین خاکی توی چمن بازی می‌کنند و همه می‌رویم جام جهانی.

خب شما دقیقه‌ای ۲۲ میلیون تومان هزینه داری عزیز من که هزینه ما را در کل سال چقدر کم کنی که نتیجه‌اش هم فقط تورم است؟ هوووووم؟ نج... نمی‌صرفد داداش. بی‌زحمت، ما از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم مرحمت فرموده بی‌خیال شوید.

حالا این‌شایعه که می‌گفتند بعضی‌ها حاضر بودند تا ۵۰۰ میلیون تومان بدهند که بروند توی فلان لیست و فلان آقازاده هم زحمتش را می‌کشیده، خیلی عجیب به نظر نمی‌رسد. شما فکر کن وقتی دقیقه‌ای ۲۲ میلیون تومان هزینه داری که بروی روی آنتن، نمی‌آرزد ۵۰۰ تومن خرج کنی که دیده شوی؟

و در آخر هم به نظر ما این نماینده‌ها که بعد از رای آوردن غیب می‌شوند و حتی تلفن‌هایشان را هم جواب نمی‌دهند و به کسی پاسخگو نیستند حق دارند. شما فکر کن وقتی طرف دقیقه‌ای ۲۲ میلیون تومان هزینه دارد، یک یالو به شما بگوید برآش دو میلیون می‌افتد.

خدا به همه ما صبر عنایت بفرماید. ان‌شاء‌الله.

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۶ • ۲۴ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۱۷ آگوست ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۳۹ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۱۰ • اذان صبح فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جلال پیرمرز آباد

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: کارآمدی، تخصص و تجربه، سه ویژگی کابینه دوازدهم



هاشور

مرزهای آزاد: یک اتوپیا یا راه‌حل ناگزیر؟

مهزاد الباسی: همین چند روز پیش ۵۵ مهاجر دیگر در آب‌های سواحل یمن به وسیله قاچاقچیان عمدا غرق شدند. این دومین بار در یک ماه گذشته است که قاچاقچیان این منطقه برای فرار از دست مأموران، مهاجران عمداً کم‌سن‌وسال را به زور از قایق به آب می‌اندازند تا غرق بشوند. از طرفی به دنبال توقف فعالیت «پزشکان بدون مرز» به دلایل امنیتی، سازمان امداد‌رسانی آلمانی «چشم دریا» نیز کمک‌رسانی خود به پناهجویان را در سواحل لیبی متوقف کرد؛ اتفاقی که به گفته این سازمان، منجر به مرگ هزاران پناه‌جوی دیگر در این منطقه می‌شود. هرساله از بیش از یک میلیون مهاجری که موفق می‌شوند خود را به اروپا برسانند، بین سه تا پنج هزار نفر جان خود را در دریای مدیترانه به دلیل مهاجرت غیرقانونی از دست می‌دهند. به اعتراف بان کی‌مون، دبیرکل وقت سازمان ملل، اتحادیه اروپا با دراختیارداشتن ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و آمریکا با داشتن ۲۳ درصد (GPD) جهان، پذیرای مهاجران کمتری نسبت به کشورهای مثل ایران و بحران سوریه تا همین موضوع است. تجربه برگزاری چنین برنامه‌ای، پیش از این و در خارج از ایران وجود داشته است؛ اما این دو سعی کرده‌اند چنین طریقی را بومی‌سازی کنند. طحانان می‌گوید: هدف و برنامه ما برای توریست‌ها، آشکاردن آنها با غذا و فرهنگ ایرانی است و برنامه آنها با برنامه مرسوم من برای ایرانی‌ها بسیار فرق می‌کند. اما روایت متین لشکری به‌عنوان طراح و معماری که سر از دوره‌های گردشگری و آشپزی درآورده نیز شنیدنی است. او یک travel blogger است که درباره سفرهایش می‌نوشته. با آشنایی با دختری اهل آشپزی و دختری اهل سفر و گردشگری، «تور آشپزی» شکل گرفت. بیشتر توریست‌هایی که به این تور مراجعه می‌کنند، اروپایی، اهل اقیانوسیه، استرالیا، نیوزیلند و سوئیس هستند. البته از آسیا نیز مسافرانی درخواست شرکت در این دوره‌ها را داشته‌اند. روش کار آنها نیز در نوع خود جالب است: «ساعت ۹ صبح در میدان تجریش قرار می‌گذاریم و بازارگردی و خرید آغاز می‌شود. نه تنها مواد اولیه برای تهیه غذا را خریداری می‌کنیم، بلکه با فرهنگ ایرانی در کنار انواع سبزیجات، ترشیجات، آجیل، شیرینی و ادویه آشنا می‌شویم. در ادامه نیز به آشپزخانه رفته و طبخ یک غذای ایرانی را با هم در یک محیط گرم و صمیمی یاد می‌گیریم و سرو می‌کنیم و به این ترتیب، یک روز گردشگران با آشپزی به سبک ایرانی می‌گذرد».

برایان کیلن، استاد اقتصاد دانشگاه جورج میسون و دانش‌آموخته دانشگاه‌های برکلی و پرینستون، در این باره نظر دیگری دارد. او یکی از اقتصاددانانی است که به جای اعتقاد به سهولت در صدور ویزا و مهاجرت قانونی، معتقد است تئوری مرزهای باز دفاع می‌کند و معتقد است مرزهای آزاد در تمامی دنیا، تنها راه‌حل مؤثر برای از بین بردن مهاجرت غیرقانونی و فقر جهانی است. سخنی که بیشتر به یک رؤیا می‌ماند اما از نظر او و دست‌اندرکاران وب‌سایت openborder.info، ایده مرزهای آزاد راه‌حلی است که به دوربرابرشدن تولید ناخالص داخلی جهان و تولید بیشتر در مقیاس بین‌المللی منجر خواهد شد. در حقیقت مهاجران با فرستادن دستمزد خود به کشورهای مبدأ، موازنه ثروت میان کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را متعادل خواهند کرد؛ رقمی که به گفته سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سه برابر کمک‌های جهانی به این کشورهاست. علاوه بر این، آزادی بدون قید و شرط مهاجرت، علاوه بر شکوفایی مهاجران در کشورهای پیشرفته به گسترش ارزش‌هایی از جمله آموزش، برابری جنسیتی و انتخابات آزاد در مقیاس جهانی کمک خواهد کرد و از درگیری‌های منطقه‌ای خواهد کاست. از لحاظ اخلاقی و حقوق بشر نیز هر انسانی تا زمانی که



به دیگران آسیبی نرسانده، قاعداً باید حق آزادی انتخاب محل زندگی و کار خود را داشته باشد، فرصت پیشرفت و زندگی بهتر باید به‌طور برابر در اختیار افراد قرار گیرد و نمی‌توان ملت‌ها را به صرف به‌دنیایمند در جغرافیایی متفاوت از این فرصت‌ها محروم کرد. به گفته مایکل کلمنس، توسعه درباره انسان‌ها معنی دارد نه مکان‌ها. باین‌حال این نظریه منتقدان زیادی دارد. کسانی که نگران رشد زاد و ولد، مسائل امنیتی، تهدید دموکراسی، ازدست‌دادن بازار کار برای افراد بومی و استفاده از منابع مالی و طبیعی کشورهای مقصد هستند، نظریه مرزهای آزاد را بیشتر یک اتوپیا غیرقابل‌عمل می‌دانند تا واقعیتی قابل پذیرش. در این مورد در فرصت‌های آتی خواهیم نوشت.

آکادمی

آیا ترامپ به سندرم نخوت نیز گرفتار است؟



عبدالرحمن نجل‌رحیم

تاکسون از احتمال وجود اختلال شخصیتی خودشیفتگی و وجدان‌پریشی در دونالد ترامپ، بسیار گفته شده است. حال این سؤال پیش آمده است که آیا ترامپ علاوه بر خودشیفتگی دچار سندرم نخوت نیز هست؟ این سؤال از دکتر دیوید اوون پرسیده شده که خودش ۳۳ سال در سیاست بوده و مدتی نیز وزیر امور خارجه بریتانیا بوده و در ضمن در نورولوژی و مغزپژوهی نیز کار کرده است. جالب اینکه این لرد انگلیسی به اتفاق همکار روان‌پزشک آمریکایی‌اش، جاناتان دیویدسون، مقاله‌ای در مجله علمی معروف «برین» (مغز) نوشته و رئیس‌جمهورهای آمریکا و نخست‌وزیران انگلیس در صد سال گذشته را از نظر این سندرم اکتسابی در دوران قدرت، مورد بررسی قرار داده است. او عقیده دارد که این سندرم در دوران قدرت سیاسی در بعضی از سیاستمداران غربی بروز کرده است که با ازدست‌دادن قدرت، علائم نخوت آنها نیز فروکش کرده و به‌همین دلیل این مؤلفان، آن را اکتسابی و منتسب به قدرت سیاسی ارزیابی کرده‌اند. طبق این نظر، ۹ علامت از ۱۴ علامت این سندرم با خودشیفتگی (نارسیسم) یکسان است و تنها پنج علامت آن اختصاص به سندرم نخوت دارد که هسته آن را، احساس خود را در اوج اعتبار و فرائز از هر قضاوت زمینی دانستن شخص مبتلا، حتی به قیمت به‌بارآمدن نتایج عملی ناگوار، تشکیل می‌دهد. اوون و همکارش در ضمن مطالعات خود به این نتیجه می‌رسند که در میان نخست‌وزیران بریتانیایی، دیوید لوید جورج، نویل چمبرلن، مارگرت تاجر و تونی بلر در برهه‌ای از دوران قدرتمندی خود دچار این سندرم شده‌اند و در میان رئیس‌جمهوران آمریکا در گذشته به‌طور جدی جورج دبلیو بوش هم به این سندرم گرفتار بوده است. به‌نظر این محققان، بر اساس زندگی‌نگاران هیتلر، نشانه‌های سندرم نخوت در او

آشکار است. درحالی‌که نشانگان نخوت در استالین چون هیتلر برجسته تصویر نشده است. به نظر آنها شواهد نشان می‌دهد که موسولینی و مانو نیز هر دو دچار سندرم نخوت بوده‌اند. اما دیوید اوون در پاسخ سؤالی که آیا نشانه‌ها حاکی از وجود سندرم نخوت در دونالد ترامپ هست یا نیست؟ در پاسخ می‌گوید تردیدی نیست که او گرفتار است، ولی سؤال این است که آیا او قبل از رسیدن به قدرت سیاسی ریاست‌جمهوری به‌عنوان تاجر ثروتمند دچار آن بوده یا پس از رسیدن به قدرت سیاسی به این سندرم گرفتار شده است. اوون و دیویدسون، نویسندگان مقاله سندرم نخوت در سیاستمداران غربی، تاکید می‌کنند که نیاز است تا مدارهای مغزی مسئول در ایجاد سندرم نخوت در صاحبان قدرت سیاسی در غرب مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد، ولی تا زمانی که امکان انجام چنین بررسی‌هایی در این موارد نادر و آن هم در اوج قدرت این افراد وجود ندارد، بعید به نظر می‌رسد که به‌زودی سازوکار مغزی این سندرم به‌طور دقیق روشن شود.

یاد آر

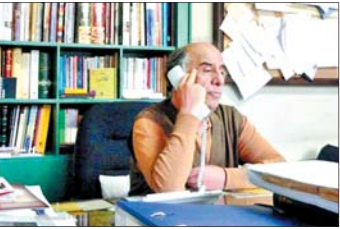
به بهانه چهارمین سال درگذشت محمد زهرایی

پراکندن عطر اهل قلم



سیدابوالحسن مختاریاد

می‌گشت. به قول مولانا بر درم ساکن شو و بی‌خانه باش دعوی شمع‌ی مکن پروانه باش تا ببینی چاشنی زندگی سلطنت بینی نهان در بندگی و این خدمت به استاد موحد را عاشقانه انجام می‌داد و نه از سر طمع و... و بعید می‌دانم آقای موحد بتوانند نمتنها ناشره کنند حتی دوستی چنین عاشق و صادق پیدا کنند. غربیتی نسبت به ایشان داشتند که واقعا در کمتر کسی دیده بودم. مجلدات خواب آشفته نعت ابتدا قرار بود به صورت خاطرات آقای موحد منتشر شوند، اما این ایده کار را به این کتاب‌ها باید خود به مرجعی مهم در عرصه تاریخ‌نگاری معاصر تبدیل می‌نمودند مرحوم زهرایی در ذهن استاد موحد کاشت و با سماجت و بی‌گیری‌ای که تقریباً تنها منحصر به او بود و بس و البته بسیج‌کردن تیمی کارگشته و در خدمت استاد کار را به جایی رساند که کتاب‌ها از وضعیت خاطره‌گونه به‌در آمدند و قامت تحلیل‌یک مورخ و شاهد صادق بسیاری از رخدادهای تاریخ معاصر را بر خود گرفتند و منتشر شدند. همچنان که کتاب شرح استاد بر فصوص‌الحکم را چنین کرد. برابرم تعریف کرد که روزی استاد موحد از برخی دست‌نوشته‌های خود درباره کتاب فصوص سخن گفت و این زهرایی بود که تیمی را بسیج کرد برای پیداکردن آن دست‌نوشته‌ها در زیرزمین



استاد ادبی و فرهنگی و نیز عموم مردم فارسی‌زبان شناخته نشده بود. اما استاد شفیعی با توجه به جایگاهی که در عرصه شعر و ادب و تحقیق و پژوهش داشتند و دارند، کاری کرد که استان و «بوی شعر و فکر عطار را در جامعه برانگند و به‌نوعی به آن رنگ‌بویی تازه داده است». **میان:** از این تمثیل می‌خواهم استفاده کنم و همین نکته را درباره استاد دکتر موحد بیان کنم و بگویم که آقای موحد تا قبل از اینکه محمد زهرایی آثارش را منتشر کند، نویسنده و حقوق‌دان برجسته‌ای بود که جامعه فکری و فرهنگی، در نهایت از او یک تصحیح از مقالات شمس را به یاد داشت و نیز ترجمه و تصحیح سفرنامه ابن‌بطوطه. البته که اهل دقت و نظر باوری دیگر نسبت به او داشتند، اما آقای موحد هنگامی شناخته و شناسانده شد که محمد زهرایی او را صید کرد و البته پیش از آن، خود صید استاد موحد شد و به گمانم بسیاری چیزها را وقف این دانشی‌مرد عرصه فرهنگ و تاریخ کرد.

مثل تمثیل مولانا در مثنوی که فرمود:

تو مگر آبی و صید او شوی

دام بگوشی به دام او روی

عشق می‌گوید به گوشم پست پست

صید بودن خوش‌تر از صیادی است

واقعا همانند پروانه‌ای به دور استاد موحد تابنده و طربناک.

زلف کج

خاطره‌بازی فشرده



گیتی صفرزاده

از بین تمام بازی‌هایی که آدمیزاد برای سرگرم‌کردن خود در سال‌های زندگی ابداع کرده، خاطره‌بازی عجیب‌ترینشان است. یعنی شما یک سال‌هایی از زندگی‌تان را با غرولند می‌گذرانید که چرا مثلا خانه‌تان فلان جاست، غذایی که می‌خورید این مدلی است، هر روز باید اصغر آقایی کله‌ز را سر راهتان ببینید، چقدر نحوه معاشرت و رفتار همسایه‌ها حالتان را بد می‌کند اما کافی است سال‌هایی (کم و زیادش بستگی به میزان مسافت و دوری از محل دارد) از همین‌ها دور شوید، آن‌وقت خاطره‌بازی شروع می‌شود. دلتان لک می‌زند برای همان محله قدیمی، بوی کله‌پاچه می‌شود یادآور عاشقانه‌ترین خاطرات زندگی‌تان، می‌گویید آرزویان است که یک بار دیگر در آن محله قدیمی برپید و داخل کوچه قدیمی سرتان بخورد به طاق دیوار و اکریم خانم همسایه بگوید وا، مکه کوری؟ حالا خوشبختانه در بعضی از نقاط تهران امکان این خاطره‌بازی را برای شما فراهم کرده‌اند. شما می‌روید داخل یک خیابان قدیمی که به‌خاطر طبیعی شدن احساس نوستالژیک شما سنگفرش کرده‌اند و درحالی‌که به سختی روی سنگفرش‌ها راه می‌روید (احتمالا به این خاطر که هیچ‌کدام از ما راه‌رفتن روی سنگفرش را تجربه نکرده‌ایم، فقط در سربال هزارستان دیده‌ایم و خوشمان آمده) می‌رسید به یک جایخانه (همان قهوه‌خانه خودمان است که بار تربیتی بیشتری پیدا کرده)، بعد همان اشکنه‌ای را که مادر بزرگ به زور توی حلقتان ریخته، این بار با دادن مقدار معتدلبی اسکناس درحالی‌که روی یک طرف گل سرخ‌نشان به شیوه فرانسوی ترین‌ها، نوش جان می‌کنید و به بغل‌دستی‌تان می‌گویید وای، همه خاطراتم زنده شد. بغل‌دستی‌تان درحالی‌که به زور خودش را از غلغله رفت‌وآمد آدم‌های خاطره‌بازی در دارند روی پیاده‌روی می‌لوئید، روی صندلی چپانده در تأیید شما اضافه می‌کند؛ چه روزایی بود. شما درحالی‌که دیگر ایدا دلخوری‌هایتان را از درنگ‌کردن مادر بزرگ در آن روزها و غیربهداشتی‌بودن رفتار همسایه‌ها و دلگیر به‌نظرآمدن محله به یاد نمی‌آوردید (شما این حرف‌ها را نمی‌زدید؟ عصبانی نشوید، حتما شما را به زور از گذشته‌تان جدا کرده‌اند) سعی می‌کنید از حداکثر فضای چندمترمربعی که با ده‌کاهه و صندلی و میز و گروه آوازخوانی جمعیت علاقه‌مند فشرده شده، استفاده کنید و عملیات خاطره‌بازی را به صورت کسروی در روح و جانتان بازسازی کنید. در این میان گروهی جوان هم هستند که البته نشنشان به خاطره‌بازی نمی‌خورد بلکه مشغول خاطره‌سازی هستند. هیچ اشکالی ندارد، مهم خاطره بازی، چه بازی شود، چه ساخته شود. اهل هرکدامش که باشید می‌توانید این روزها سری به خیابان سسی‌تیر بزیند و فشرده‌گی خاطره را لمس کنید.

شعر و فکر عطار را در جامعه برانگند و به‌نوعی به آن رنگ‌بویی تازه داده است». **میان:** از این تمثیل می‌خواهم استفاده کنم و همین نکته را درباره استاد دکتر موحد بیان کنم و بگویم که آقای موحد تا قبل از اینکه محمد زهرایی آثارش را منتشر کند، نویسنده و حقوق‌دان برجسته‌ای بود که جامعه فکری و فرهنگی، در نهایت از او یک تصحیح از مقالات شمس را به یاد داشت و نیز ترجمه و تصحیح سفرنامه ابن‌بطوطه. البته که اهل دقت و نظر باوری دیگر نسبت به او داشتند، اما آقای موحد هنگامی شناخته و شناسانده شد که محمد زهرایی او را صید کرد و البته پیش از آن، خود صید استاد موحد شد و به گمانم بسیاری چیزها را وقف این دانشی‌مرد عرصه فرهنگ و تاریخ کرد.

مثل تمثیل مولانا در مثنوی که فرمود:

تو مگر آبی و صید او شوی

دام بگوشی به دام او روی

عشق می‌گوید به گوشم پست پست

صید بودن خوش‌تر از صیادی است

واقعا همانند پروانه‌ای به دور استاد موحد تابنده و طربناک.

چه خبر؟

هزار زندانی آزاد شدند؟

شرکت کردند، با اهدای مبالغی ۱۳ نفر را آزاد کردند. این مسئول گفته است کمک و دستگیری از زندانیان نیازمند مختص ایام خاص در سال نیست و نمایندگی ستاد دیده استان تهران آماده جذب این کمک‌ها در طول سال و در مقابل پاسخ‌گوی تک‌تک نیکوکارانی است که با اتفاق مال، پیگیر آزادی زندانیان هستند و در این زمینه نیز گزارش ارائه می‌دهند. کاش این اعلام شود که این ۱۷میلیارد تومان که مردم با کمال میل و رغبت در پاسخ به فراخوان ماه عسل هم داده‌اند، نتایج‌اش یعنی همان آزادی هزار زندانی، اطلاع‌رسانی شود.

شرق: چهار تیرماه امسال، خبر آمد که قرار است با ۱۷میلیارد تومان کمک‌های مردم در برنامه‌ای بیش از هزار زندانی فاقد سابقه از زندان‌ها آزاد شوند. احسان علیخانی (تپه‌کننده و مجری ماه عسل) در حضور جهانگیر رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در برنامه ماه عسل با مجری‌گری و تهیه‌کنندگی احسان علیخانی حضور پیدا کرده بود، به‌عنوان رئیس سازمان زندان‌ها پیش‌بینی کرد که با ۱۷میلیارد تومان کمک‌های مردم در این برنامه بیش از هزار زندانی فاقد سابقه از زندان‌ها آزاد شوند.